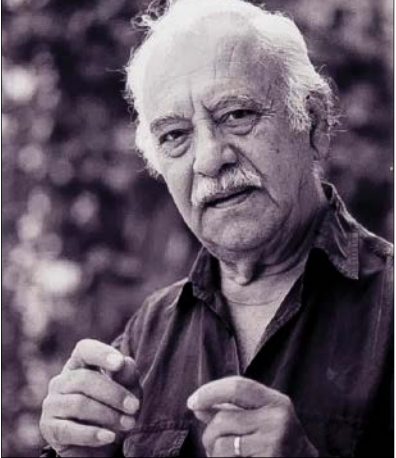


## آثار کارگردان بهایی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان!



سعید زین‌العابدینی، معاون تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان اعلام کرد:۷۰فیلم تئاتر کودک و نوجوان به صورت آنلاین پخش و در دسترس علاقه‌مندان در سراسر کشور قرار گرفته است. آثاری که میان آنها نمایش‌هایی از نصرت‌کریمی، کارگردان فیلم «محلل» به عنوان یکی از شاخص‌ترین تولیدکنندگان آثار ضداسلام فرقه ضاله بهائیت نیزگنجانده شده است.

### اسلام ستیزی بهائیان با محلل

فیلم سینمایی محلل به کارگردانی نصرت... کریمی و با سرمایه‌گذاری مهدی میناقیه که در بهمن ۱۳۵۰ روی پرده سینماها رفت نیز یکی دیگر از فعالیت‌های اسلام‌ستیز بهائیان بود.

این فیلم برگرفته از افکار بیمار و مغرض افرادی بیگانه با احکام مرفقی اسلام همچون مونسکیو و صادق هدایت بود.مهدی میناقیه، تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار فیلم محلل در ساخت فیلم‌های زیادی که اسلام‌ستیزی و ابتذال، از جمله شاخص‌ها و مؤلفه‌های بارز آن است، نقش داشته است.

این فیلم مبتذل و حریص‌شکن که تبلیغات آن از روز ۱۷ادی - روز کشف حجاب - آغاز شده بود، درست در سالگرد انقلاب سفید (بهمن ۱۳۵۰) بر پرده سینماها رفت و سال ۱۳۵۲، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۷ پروانه نمایش آن توسط وزارت فرهنگ و هنر تجدید شد.

بنا به گفته مهدی کلهر از مسئولان و کارشناسان سینمای پس از انقلاب، فیلم محلل، ننگین‌ترین نقطه از تاریخ سینمای ایران به حساب می‌آید.

گرچه سینما از آغاز تولدش در ایران وسیله‌ای برای اشاعه فساد و فحشا یا تبلیغ برای آنچه پیشرفت‌های رژیم پهلوی خوانده می‌شد، بود اما کمتر فیلمی را در این لجن‌زار بتوان یافت که چون محلل با شیطنت تمام علیه اسلام و قوانین شرع مقدس به‌یا خاسته باشد. فیلم محلل، بلوغ سینمایی توطئه‌گر بود که ریشه چند صدساله داشت و بارها و بارها به صورت قصه، نمایشنامه و... برای تمسخر قوانین اسلام و مبارزه با روحانیت از آن بهره گرفته بودند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آثار این کارگردان بهائی را قرار است برای کودکان و نوجوانان سراسر کشور پخش کند؟ این احتمال وجود دارد که مسئول مربوط در کانون پرورش فکری خیلی با جریان‌شناسی هنر آشنا نباشد که چنین اتفاقی در حال رخ‌دادن است.

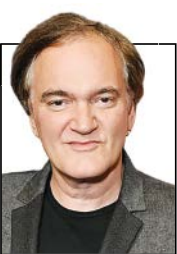
### فیلم عادل تبریزی اکران می‌شود

طبق اعلام شورای عالی اکران، فیلم سینمایی «گیجگاه» به کارگردانی عادل تبریزی اکران خود در سینماهای کشور را از هفته جاری آغاز خواهدکرد؛ فیلمی که نخستین بار در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر اکران شد. عادل تبریزی از کارگردانان جوان سینمای ایران است که سال‌ها در مقام دستیار کارگردان فعالیت داشته است.



### سرنوشت بازیگران پیشکسوت

جعفر دهقان در گفت‌وگو با میزبان، تأکید کرد: من می‌توانم ساعت‌ها درباره مشکلات و مصیبت‌های وارده بر بازیگران صحبت کنم، اما وقتی هیچ‌کس برایش مهم نیست، گفتنش چه دردی را دومی‌کند. هیچ‌کس صدای مظلوم بسیاری از بازیگران مخصوصاً پیشکسوتان را نمی‌شنود.



### نارانتینو و سفر تبلیغاتی

کونتین تارانتینو قصد دارد یک تور تبلیغاتی کتاب برای نخستین اثر غیرداستانی‌اش برگزار کند. کتاب غیرداستانی «تعمق در سینما» در یکم نوامبر (۱۰ آبان) منتشر خواهدشد و تارانتینو که به عنوان یکی از فیلمسازان مشهور و خالق یادکست شناخته می‌شود، برای معرفی جدیدترین کتابش به پنج شهر بزرگ آمریکا سفر خواهدکرد.

نگاهی به رسانه‌های امروز و شبکه‌های مجازی و تولید دیکتاتوری اقلیت

# کارخانه‌های تولید حماقت و کابوس فארنهايت ۴۵۱



تنگ کرده»، نوشت: «اینک معضل بسیار فراتر از زمان هایدگر است.»

### جامعه‌ای که حافظه‌اش را از دست می‌دهد

نویسنده گزارش ضمن ابراز وحشت و هراس از رسیدن بشر امروز به وضعیتی که در رمان «فارنهایت ۴۵۱» اثر ری برادبری، برایش تصویر شده بود، جامعه امروز را هم مانند فضای رمان مذکور از نظر تکنولوژیک واجد پیشرفت‌های خارق‌العاده ولی به سرعت در شرف از دست دادن حافظه‌اش دانسته بود.

در ادامه گزارش یاد شده آمده: «... فضاهای مجازی نظیر فیسبوک، توئیتر، واتس‌آپ، تلگرام و... سطح نگارش و البته خویش را به چنان درجه نازلی کشانده که اعضای فعال این فضا‌های مجازی، نه تنها تحمل خواندن مسطری کتاب از هر دست را ندارند که حتی خواندن مقاله متوطلی در روزنامه برای‌شان ثقیل می‌گند...»

گزارش یاد شده در پایان نتیجه گرفته بود: «... غم پایان دوره کتاب را خوردن جدا‌ما این مصیبت خوانی مسلما راه به جایی نمی‌برد. دوران کنونی، دوران فراموشی است گرچه ظاهراً برتری ناخواسته‌ای که اینترنت نسبت به رسانه‌های جمعی نظیر مطبوعات و تلویزیون دارد، این است که فردیت به فراموشی سپرده شده در آن رسانه‌ها می‌تواند اینجا روزه‌ای برای خودنمایی پیدا‌کند، یعنی هر دریافت‌کننده اینترنت خود یک‌فرستنده پتانسیل است اما صنعت ضدحافظه در برابر این تهدید انسانیت نیز بی‌کار نشسته و آخرین نقاط قوت بشر را در همین جا نابود می‌کند؛ وجود فضا‌های مجازی نظیر فیسبوک یا توئیتر برای همین است که فرستنده‌های بالقوه، نفس‌شان را آنجا هدر دهند. این فضا‌ها عمدتاً سیاهچاله‌های فضای ارتباطات معاصرند...»

این‌چنین می‌شود در این‌ شبکه‌ها یا همان سیاهچاله‌های ارتباطات، گره معدودی آنچنان اکثریت را تحت فشار رسانه‌ای قرار می‌دهند که آنها را ناگزیر از عذرخواهی از مواضع خود یا تجدیدنظر در افکار و ارزش‌های‌شان کرده یا یک‌بسپج رسانه‌ای، ۱۸۰ میلیون هشتگ حمایتی در توئیتر ثبت می‌کنند، انگار واقعاً ۱۸۰میلیون نفر از یک مسئله‌ای حمایت دارند، درحالی‌که فقط حدود ۱۵۰هزار نفر درشکل‌گیری آن ۱۸۰ میلیون تویت، نقش داشته‌اند.

پیش‌بینی کرده بود؛ آن هم در روزگاری که تلویزیون تازه به صحنه زندگی آمده بود و پدیده‌ای هم به نام شبکه‌های مجازی وجود نداشت.

داستان فارنهایت ۴۵۱ در جهانی اتفاق می‌افتاد که خواندن یا داشتن کتاب جنایتی بزرگ محسوب شده و کتاب‌ها بلافاصله توسط آتش‌فشان‌ها سوزانده می‌شدند. این مشخصات جامعه‌ای بود که با دارو‌های روانگردان فراموشی پیدا کرده و با صفحه‌های بزرگ ویدئویی بر دیوارهای منازل، تحت‌القای اخبار و گزارش‌ها و مطالب پخش شده قرار می‌گرفتند.

دو فیلم براساس این‌رمان ساخته شد؛ در سال ۱۹۶۶ توسط فرانسوا تروفو، فیلمساز برجسته موج نوی سینمای فرانسه و در سال ۲۰۱۸ توسط رامین بحرانی، سینماگر ایرانی‌تبار مقیم هالچود.

فیلم رامین بحرانی به شرایط امروز بسیار شباهت داشت. ماجرای آن فیلم گرچه در دنیای مملو از رسانه‌های مجازی اتفاق می‌افتاد ولی سانسور خشنی را به تصویر می‌کشید که توسط همین رسانه‌ها در زندگی بشر جاری شده و کتاب‌ها بی‌رحمانه به آتش کشیده می‌شدند.

به‌نظری‌رسد این‌کتاب‌سوزان دردنیای امروز به‌شکل دیگری جریان یافته است. خیل شبکه‌های مجازی و به اصطلاح اجتماعی مانند همان صفحه‌های بزرگ ویدئویی و دارو‌های روان‌گردان در رمان «ری برادبری» چنان همه اخبار، گزارش‌ها و مطالب را به خورد مخاطبان می‌دهند که آنها را از هرگونه مطالعه کتاب و اندیشیدن باز داشته و کتاب را به‌صورت نوعی تابو در زندگی بشر امروز جلوه داده‌اند.

در واقع این رسانه‌های راحت‌الحلقوم، پدیده کتاب و مطالعه آن را در اذهان مردم سوزانده‌اند. در جولای ۲۰۱۹ گزارشی انتشار یافت باعنوان «صنعت فرهنگی و کابوس فارنهایت ۴۵۱» که ضمن اشاره به نظریه هایدگر مبنی این‌که «تکنولوژی عرصه را به حافظه

در ارزیابی آماری استقبال از قسمت‌های مختلف برنامه فوق، مشخص می‌شود که بخش خواستگاری «دی جی جلو» از «رایلی بینا» بسیار پربیننده بوده و قسمت صحبت‌های هشداردهنده میندی و کیت (به‌جز جایی که کیت فریاد می‌زند) از همه بخش‌های دیگر برنامه یکم‌بیننده‌تر به حساب آمده است!

در کتاب کارخانه تولید حماقت در توضیح چنین نمایش‌هایی آمده است: «... (شبکه‌های مجازی) و

تلویزیون یکی از ابزارهای اصلی چنین تحقیقی است. «کستینگ شوها»، «در جست‌وجوی سلبریتی‌ها»، «در جست‌وجوی تاپ مدل‌ها» و... به بازار برگی علنی تبدیل شده‌اند. برندگان چنین برنامه‌هایی ممکن است برای چند روزی معروف شوند اما برندگان واقعی این نمایش‌ها، تولیدکنندگان آنها هستند که از این راه ثروت‌های افسانه‌ای به جیب می‌زنند. این برنامه‌ها تماشاگر را به فساد عادت می‌دهند، چرا که نه تنها خود فاسدند، بلکه فاسدکننده‌اند. شرکت‌کنندگان در این برنامه‌ها منزلت انسانی خود را زیر پا می‌گذارند و آماده فساد بعدی هستند...»

به نظر این دو نویسنده و نظریه‌پرداز آلمانی، در حال حاضر این سیستم‌ها بیشتر و بیشتر شبکه‌ای شده‌اند. برای نمونه امروزه حماقت‌هایی که یک دانشگاه تولید می‌کند و حماقت‌هایی که روزنامه‌های زرد تولید می‌کنند، بر یکدیگر انطباق دارند و یکی بدون دیگری عمل نمی‌کند. دانشگاه‌ها که مطیع سنسش‌های کارآمد بودن» شده‌اند، به جای این‌که محلی برای اندیشه و تولید فکر باشند، به آزمایشگاهی برای توسعه محصولات تنزل یافته‌اند.

دریابایی مصرف خواهد گردید!

مقابل صحبت‌های آرام دکتر میندی نیز فقط بالابیک و به‌کارگیری جملات سخیف مانند «ستاره‌شناس سکسی» یا «دانشمند خوش‌تیپ»، همه واقعیت خطرناک موجود را به حاشیه می‌رانند. نکته جالب این‌که

چنانچه در فیلم به بالانگاه ن‌کن، با فریاد‌ها و هشدار‌های عصبی کیت در مقابل خونسردی جک و بری، بلافاصله هزاران نفر در شبکه‌های به‌اصطلاح اجتماعی به او حمله کرده، از او کاریکاتور ساخته و با کلمات و عبارات زشت و توهین‌آمیز، کاراکتری دیوانه و دروغگو از کیت دیپپاسکی می‌سازند و در

مقابل صحبت‌های آرام دکتر میندی نیز فقط بالابیک و به‌کارگیری جملات سخیف مانند «ستاره‌شناس سکسی» یا «دانشمند خوش‌تیپ»، همه واقعیت خطرناک موجود را به حاشیه می‌رانند. نکته جالب این‌که

چنانچه در فیلم به بالانگاه ن‌کن، با فریاد‌ها و هشدار‌های عصبی کیت در مقابل خونسردی جک و بری، بلافاصله هزاران نفر در شبکه‌های به‌اصطلاح اجتماعی به او حمله کرده، از او کاریکاتور ساخته و با کلمات و عبارات زشت و توهین‌آمیز، کاراکتری دیوانه و دروغگو از کیت دیپپاسکی می‌سازند و در

مقابل صحبت‌های آرام دکتر میندی نیز فقط بالابیک و به‌کارگیری جملات سخیف مانند «ستاره‌شناس سکسی» یا «دانشمند خوش‌تیپ»، همه واقعیت خطرناک موجود را به حاشیه می‌رانند. نکته جالب این‌که

چنانچه در فیلم به بالانگاه ن‌کن، با فریاد‌ها و هشدار‌های عصبی کیت در مقابل خونسردی جک و بری، بلافاصله هزاران نفر در شبکه‌های به‌اصطلاح اجتماعی به او حمله کرده، از او کاریکاتور ساخته و با کلمات و عبارات زشت و توهین‌آمیز، کاراکتری دیوانه و دروغگو از کیت دیپپاسکی می‌سازند و در

مقابل صحبت‌های آرام دکتر میندی نیز فقط بالابیک و به‌کارگیری جملات سخیف مانند «ستاره‌شناس سکسی» یا «دانشمند خوش‌تیپ»، همه واقعیت خطرناک موجود را به حاشیه می‌رانند. نکته جالب این‌که

چنانچه در فیلم به بالانگاه ن‌کن، با فریاد‌ها و هشدار‌های عصبی کیت در مقابل خونسردی جک و بری، بلافاصله هزاران نفر در شبکه‌های به‌اصطلاح اجتماعی به او حمله کرده، از او کاریکاتور ساخته و با کلمات و عبارات زشت و توهین‌آمیز، کاراکتری دیوانه و دروغگو از کیت دیپپاسکی می‌سازند و در

در فیلم «به بالا نگاه ن‌کن» ساخته آدام مک‌کی، یک استاد ستاره‌شناس به‌نام دکتر رندال میندی (لئوناردو دی‌کاپریو) و دانشجوی رشته دکتری نجوم به نام کیت دیپپاسکی (جنیفر لارنس) رد یک ستاره دنباله‌دار را می‌گیرند که حدود شش ماه دیگر با کره زمین برخورد خواهد کرد.

آنها ابتدا این موضوع مهم را به اطلاع رئیس‌جمهور ایالات متحده (جینی اورلین با بازی مریل استریپ) و سپس رسانه‌ها و مردم می‌رسانند اما با بی‌اعتنایی کنیه‌آمیزی نسبت به فاجعه یاد شده مواجه شده که آن را در میان شوخی و بازی‌های روزمره پنهان می‌کنند. رئیس‌جمهور اورلین، حادثه برخورد ستاره دنباله‌دار دیپپاسکی (که به اسم کیت دیپپاسکی نام‌گذاری شده) را با مسائل انتخاباتی و چالش‌های ریاست خود، بالانس کرده، رسانه‌ها هم از آن برای هرچه گرم‌تر شدن تنورآنتن خود که در تصرف خبرهای فیک و جعلی و روابط سخیف سلبریتی‌هاست، بهره‌برده و مردم هم که مغزهایشان در تصرف همان رسانه‌هاست و همچون ربات به دنبال آنها روان هستند.

فیلم آدام مک‌کی بی‌ارتباط به کتاب «کارخانه تولید حماقت»، نوشته مارکوس متس و گئورگ زسلن، دوروزنامه‌نگار و فرهنگ‌شناس آلمانی که درباره وضعیت امروز رسانه‌ها در غرب منتشر شده، نیست به نوعی می‌توان آن را ممداق و نمایش تصویری همان تئوری‌هایی دانست که در آن کتاب آمده است. در واقع آدام مک‌کی، نوشته‌های خشک و بی‌روح کتاب یاد شده را به اثری مفرح و بامزه بدل کرده است.

در حالی که دکتر میندی و کیت دیپپاسکی در اضطراب و تعجیل برای گفتن خبر فاجعه برخورد مرکبار ستاره

دنباله‌دار به کره زمین و نابودی آن دست و پا می‌زنند، رایلی بینا با خونسردی در مقابل دوربین تلویزیون به صحبت‌های دی جی جلو در یک ارتباط زنده گوش داده و سپس هر دو نفر به روابط نامشروع خود با افراد دیگر اعتراف کرده و البته یکدیگر را می‌بخشند!

نمایش حماقت در قالب بحران‌های اجتماعی و انسانی زسلن و متس در کتاب خود درباره ویژگی‌های رسانه‌های غربی با همان ماشین‌های حماقت می‌نویسند: «یکی از شاخص‌های بنیادین ماشین‌های حماقت این است که به هر قیمتی می‌خواهند سرگرم کنند. در واقع آنها حماقت را به سرگرمی تبدیل می‌کنند و نه فقط این، بلکه آنها حماقت را «زنبیا»، «اجتماعی»، «انسانی» و حتی «اخلاقی» جلوه می‌دهند. اما امروزه سرگرمی فقط برخاسته از یک مدل ساده عرضه و تقاضا نیست، بلکه از شبکه پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از رویداد‌ها و دستکاری‌های بازار، علایق سیاسی و خودکامی محض پدید آمده و مقاومتی در برابر آنها وجود ندارد. بنابراین سرگرمی هم مانند بازار به «بازار سرگرمی» تبدیل شده که دلفکان اجازه دارند در آن تا جایی که می‌توانند تحقیق کنند...»

چنانچه در فیلم به بالانگاه ن‌کن، با فریاد‌ها و هشدار‌های عصبی کیت در مقابل خونسردی جک و بری، بلافاصله هزاران نفر در شبکه‌های به‌اصطلاح اجتماعی به او حمله کرده، از او کاریکاتور ساخته و با کلمات و عبارات زشت و توهین‌آمیز، کاراکتری دیوانه و دروغگو از کیت دیپپاسکی می‌سازند و در

مقابل صحبت‌های آرام دکتر میندی نیز فقط بالابیک و به‌کارگیری جملات سخیف مانند «ستاره‌شناس سکسی» یا «دانشمند خوش‌تیپ»، همه واقعیت خطرناک موجود را به حاشیه می‌رانند. نکته جالب این‌که

### کاش دنیا جعبه موسیقی بود

احمدشاه جوان بعد از گوش سپردن به موسیقی ضبط شده در یک دستگاه ضبط صدا: کاش این دنیا هم مثل یک جعبه موسیقی بود، همه صداها آهنگ بود، همه حرف‌ها ترانه.

این، بخشی از دیالوگ‌های فیلم «دلشدگان» ساخته علی حاتمی بود که سال ۱۳۷۰ با بازی بازیگرانی چون زنده‌یادان امین تارخ، محمدمعلی کشاورز، رقیه چهره‌آزاد و نیز اکبر عبدی، سعیدپورصمیمی، لیلا حاتمی و قرامرز صدیقی منتشر شد. موسیقی این فیلم را حسین علیزاده ساخته‌بود و زنده‌یاد محمدرضا شجریان که امروز سالگرد درگذشت وی است، آوازهای فیلم را خوانده بود.



### چهره



دیدار برای دریافت مجوز برای ساخت فیلم در «اماکن تحت میراث فرهنگی» بوده است. به نظر می‌رسد که علاقه به شواف با چهره‌های مختلف، آقای ضرامی را چنان سرگرم کرده که از وظایف مهم خود غافل مانده است و درحالی‌که هر روز یک مشکل جدید در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور ایجاد می‌شود به جای حل و فصل مشکلات این حوزه، سرگرم دیدار با کارگردان «خانه قمر خانم» و «شازده احتجاب» شده است. کاش وزیر جمهوری اسلامی در دیدار با کارگردان ۸۱ ساله و محبوب فرح پهلوی از ایشان درباره مرکز گسترش منابع سینمای ایران و ارتباط آن با اشرف پهلوی و شوهر سومش هم سؤال می‌کرد.

### دیدار آقای وزیر با کارگردان محبوب فرح!

سید عزت ... ضرامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و منابع دستی چندی قبل دیداری با بهمن فرمان آرا داشت و بلافاصله با ذوق زندگی ماجرای این دیدار را در توئیتر نوشت و گفت: امروز با بهمن فرمان آرا ملاقات داشتم. در ۸۱ سالگی هنوز فیلمسازی می‌کند، روحیه گرفتم. به گزارش «جام‌جم» ضرامی که بهمن فرمان آرا را آدمی مستقل خوانده بلافاصله از طرف کارگردان ۸۱ ساله پاسخی دریافت کرد و فرمان آرا در ویدئویی اعلام کرد که این